



Research Article

The lived experience the management model of authoritarian behavior of clients in Shiraz prisons

Z. Rastagarinia¹, AR. Ghasemizad^{2*}, A. Bagheri Karachi³

1. Ph.D. Student in educational management, department of educational management, Kazerun branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

2*. Assistant Professor of Higher Education Management, Department of Educational Management, Kazerun Branch, Kazerun Islamic Azad University, Iran. Corresponding Author: Ghasemizad@Kau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences: Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

One of the strong tendencies in human beings is “authoritarianism” or “power-seeking” which appears in the first years of a child’s life in human beings, and to the extent that the child is empowered, this tendency is activated in him and his actions and behavior are directed. Therefore, the purpose of this study was to Lived Experience the pattern of management of authoritarian behavior among prisoners. The present study was conducted with a qualitative approach using content analysis method and using purposive sampling. The research tool was a semi-structured interview and data collection was continued until the theoretical saturation of the data was achieved. Using the content analysis method, 24 clients of Adela bad prison in Shiraz were interviewed. The findings led to the extraction of several indices that reflect the participants’ experiences of the consequences of authoritarianism, including family styles, family upbringing pattern and prison environment. The result was that family factors, positive and negative family pattern structure, family upbringing styles status the structure and context of the prison affect the tendency of individuals to authoritarianism and can cause serious damage to the entire family system, living environment and even the body of society. Abnormal individual position was presented as the main theme of the study.

Keywords: Qualitative research, authoritarianism, family structure and family styles

Citation: Rastagarinia, Z., Ghasemizad, AR., Bagheri Karachi, A. (2023) the lived experience the management model of authoritarian behavior of clients in Shiraz prisons. *Journal of Social Psychology*, 10(66), 47-59.

تجربه زیسته الگوی مدیریت رفتار اقتدارگرایی مددجویان زندانهای شیراز

ژیلارستگاری نیا^۱، علیرضا قاسمی زاد^{۲*}، امین باقری کراچی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.
۲. استاد یار مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، ایران، نویسنده مسئول: Ghasemizad@Kau.ac.ir
۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

یکی از گرایشهای قوی در انسان، «اقتدارگرایی» یا «قدرت طلبی» است که از نخستین سالهای زندگی کودک در انسان ظهور می کند هدف پژوهش حاضر تجربه زیسته الگوی مدیریت رفتار اقتدارگرایی در بین زندانیان بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به روش تحلیل مضمون بوده و با استفاده از نمونه گیری هدفمند انجام شد. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده و جمع آوری داده ها تا حدی ادامه یافت که اشباع نظری داده ها حاصل گردید. با بهره گیری از روش تحلیل مضمون، با ۳۴ نفر از مددجویان زندان عادل آباد شیراز انجام شد، که مشتمل بر، مضمون پایه شامل ۵۴ مفهوم و مضمون سازماندهنده شامل ۳ مولفه و مضمون اصلی شامل ۱ مولفه عمده است. اعتبار یابی از روش قابلیت انتقال پذیری، قابلیت اطمینان پذیری، قابلیت باورپذیری و قابلیت تاییدپذیری صورت گرفت. یافته ها منجر به استخراج چندین نمایه شد که بیانگر تجارب مشارکت کنندگان از پیامدهای اقتدارگرایی می باشد که شامل سبکهای خانواده، الگوی تربیتی خانواده و محیط زندان بود که نتیجه بدست آمده چنین بود که عوامل خانوادگی، ساختار الگوی مثبت و منفی خانواده، سبکهای تربیتی خانواده وضعیت ساختاری و بافت زندان بر گرایش افراد به اقتدارگرایی موثر بوده و می تواند صدمات جدی بر کل سیستم خانواده، محیط زندگی و حتی پیکره اجتماع وارد کند. ناهنجاری بودن موقعیت فردی به عنوان مضمون پایه پژوهش حاضر گردید.

کلمات کلیدی: تحقیق کیفی، اقتدارگرایی، ساختار خانواده، سبکهای خانواده

مقدمه

مسئله اقتدارگرایی^۱ یا قلدری از دیرباز مورد توجه دانشمندان بوده و پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه به عمل آمده است. فرهنگ علوم اجتماعی اقتدار را نوعی تعقل‌نهایی فرض کرده است؛ که از طریق آن می‌توان استعداد قانع کردن و کسب توافق مردم را به دست آورد. از سوی دیگر مکاتب روانشناسی اقتدارطلبی را نوعی مکانیزم روانی می‌دانند که در جهت کسب مجدد امنیت به شکل احساس‌های آزارطلبانه^۲ و یا آزارگرایانه^۳ نشان داده می‌شود (آدرنو،^۴ ۲۰۰۵). مفهومی که ارتباط نزدیک با قدرت‌طلبی و اقتدارگرایی است و در ادبیات پیشین همراه با قلدری می‌آید قربانی است. آدورنور، فرانکل و استنفورد^۵ (۲۰۰۴) در تعریفی بیان میدارد که قربانی^۶ عبارت است از این که یک فرد به سبب فشارها و فعالیت‌های منفی یک یا چند نفر دیگر، به کرات مرتکب قلدری شود و یا به عنوان قربانی در مقابل رفتارهای قلدری مورد تهدید و آزار دیگران قرار گیرد (چالمه، ۱۳۹۲).

در حال حاضر قلدری در جامعه یک پدیده همه‌گیر است که میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار میدهد. البته، میزان شیوع قلدری در مطالعات انجام شده به میزان متفاوت گزارش شده است (گوسینز و اولف،^۷ ۲۰۱۸). بر اساس گزارش تانگ، استوونینگ، ماچیک و هاستینگ^۸ (۲۰۱۸) نتایج تحقیقات نشان میدهد ۲۰٪ تا ۵۱٪ از جوانان در سال درگیر قلدری میشوند. نتایج تحقیقات صورت گرفته در ایران نیز حاکی از آن است که تقریباً از نیمی از جمعیت کشور حداقل یک بار قلدری سنتی سایبری را در رفتارهای خود نشان داده‌اند (بیرامی و علایی، ۱۳۹۴).

رشد فزاینده‌ی مشکلات بین فردی در داخل زندان موضوعی نگران‌کننده است که ریشه در کنش‌های ارتباطی آسیب‌زا و غیرمتعارف دارد. اگر چه آمار دقیقی از روابط نابهنجار در درون زندان گزارش نمی‌شود، اما مروری بر نتایج بسیاری از تحقیقات نشانگر وجود بسیاری اختلالات روانی اعم از اختلال تبدیلی، استرس، اضطراب، دوقطبی و خشونت است (آراسته و شریفی، ۲۰۰۹). پدیده‌ترین چالش‌های زندانیان از یک سو «درگیری با خود» و از سوی دیگر «درگیری با سایر زندانیان» است که در هر دو مورد ردپایی از مشکلات خلقی و بین فردی ملاحظه می‌شود (رونالدز و همکاران^۹، ۲۰۱۵). روانشناسان اجتماعی بخشی از واریانس مربوط به بروز و ترویج رفتارهای نابهنجار در محیط زندان را به عدم تنظیم سیستم‌های هیجانی زندانیان مرتبط می‌دانند. زیرا تعداد قابل توجهی از این گروه

1. Authoritarianism
2. Annoyingly
3. Abusive
4. Adorno
5. Adorno, Frankel & Stanford
6. Victim
7. Gofin & Aviterz
8. Tangney, Stuewig, Mashek & Hastings
9. Roynaid & Frank

قادر به تنظیم هیجانات خود نیستند، با محیط، خود و دیگران بیگانه اند (برموند و همکاران^۱، ۲۰۱۰). ویژگی اساسی این افراد هم نوایی اجتماعی پایین مشکل انطباق با جمع است (براهم و همکاران^۲، ۱۹۹۶). به عقیده موربرگ (۲۰۱۲)، مشکل اصلی افراد اقتدارگرا، عدم تنظیم عاطفه، ناکارآمدی در تعامل میان سیستم ها و در تعامل بین سیستم پاسخ هیجانی و محیط است. افراد اقتدارگرا در استفاده از احساسات برای هدایت رفتارشان به طور مناسب، ناتوان هستند. (از جمله هدایت رفتار در محیط اجتماعی) بنابراین بیش از افراد عادی امکان بروز رفتارهای هیجانی نامتعارف دارند.

بر اساس اطلاعات موجود به نظر می رسد که تاکنون تلاشی وافر در خصوص درک عینی و جامع از مفهوم رفتار اقتدارگرایی در بین مددجویان صورت نگرفته است و لذا بسیار ضروری است که آنچه که توسط مددجویان به عنوان رفتار اقتدارگرایی شکل میگیرد به شکل عمیق تری در قالب پژوهش کیفی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. سازمان زندانها سالانه منابع انسانی و مالی هنگفتی را صرف نگهداری و اصلاح و تربیت زندانیان که مهمترین هدف آن محسوب می شود، می کند. با قرار گرفتن مددجویان در مسیر تربیتی صحیح، این سازمان به اهداف خود می رسد و در مصرف منابع مالی نیز صرفه جویی می شود. برنامه ریزی در جهت کاهش رفتار اقتدارگرایانه نه تنها بر خود زندانی بلکه بر اطرافیان و حتی کادر شاغل در زندانها نیز تاثیر می گذارد. با توجه به مطالب گفته شده و اهمیت کاهش رفتار اقتدارگرایی در بین زندانیان این تحقیق با هدف تبیین الگوی مدیریت رفتار اقتدارگرایی مددجویان زندانهای شیراز، صورت گرفت. سؤال اصلی تحقیق این بود که از نظر زندانیان، عوامل موثر در بروز رفتار اقتدارگرایی چیست و راهکار مقابله با آن چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی^۳ و به روش تحلیل مضمون انجام شده است. به منظور جمع آوری نمونه از روش نمونه گیری تصادفی هدفمند و ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته برای بدست آوردن داده ها استفاده شد. جامعه پژوهش کلیه زندانیان، زندان عادل آباد شیراز بود. نمونه این پژوهش تعداد ۲۴ نفر از زندانیان، زندان عادل آباد بودند که به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت نمودند. مدت مصاحبه با هر زندانی حدود ۵۰ دقیقه طول کشید. کار جمع آوری داده ها تا رسیدن به اشباع نظری^۴ دنبال شد. سپس کار کدگذاری داده ها در سه مرحله مضمون اصلی، مضمون سازمان یافته و مضمون پایه تا رسیدن به اشباع نظری^۵ انجام شد.

1. Beramond et all
2. Barham et all
3. Qualitative
4. Theoretical Saturation
5. Saturation

جدول ۱. دموگرافیک شرکت کنندگان پژوهش

مشارکت کنندگان	جنس	تحصیلات	سن	شاغل
۲۴ نفر	مرد	کارشناسی	۲۱-۴۲	دولتی
۲۰	۴	۶	۹	۲۱
	۱۸	۱۵	۳۰-۲۰	آزاد

یافته ها

پس از انجام تجزیه و تحلیل و طبقه بندی داده ها و پایان کد گذاری، یافته های حاصل از این پژوهش حول ۵۵ مفهوم کد گذاری شد. کدهای بدست آمده به شرح ذیل می باشند.

الف- شرایط مداخله ای شامل محیط اجتماعی و سیستم های اکولوژیک

یکی از مواردی که به کرات در بین مصاحبه ها مشاهده شده ، وجود سیستم نامناسب تربیتی در خانواده و جدایی پدر و مادر بوده است. طلاق از مهم ترین و بدخیم ترین آسیب ها و معضلات خانواده های جوامع صنعتی و یا در حال گذار، مانند ایران است. پژوهش های مختلف نشان می دهد در بیشتر آسیب های اجتماعی رد پایی از فرزندان طلاق به چشم می خورد، همچنین مطالعات روان شناختی بر تاثیرات مختلف طلاق بر سلامت روان این افراد، مهر تایید می زند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که دانش آموزانی که پدران آنها کشاورز هستند قلدری بیشتری نسبت به سایر شاغل دارند. هم چنین شیوع قلدری در دانش آموزانی که مادران آنها خانه دارند نسبت به دانش آموزانی که مادران آنها شاغل هستند کمتر است. تحصیلات پدر در شیوع قلدری دانش آموزان تاثیر ندارد. بعلاوه نتایج تحقیق نشان داد که شیوع قلدری سایبری در بین دانش آموزانی که مادران آنها از تحصیلات بیشتری برخوردارند نسبت به مادران بیسواد بیشتر است (سیدزاده ثانی، عبدالهی، ۱۳۹۸). در ادامه قسمتی از متن مصاحبه با یکی از مددجویان در این مورد ارائه می شود "تو خونه ما هیچ نظم و تربیتی نبود ما تعداد جمعیتمون زیاد بود و از طبقه فقیر جامعه بودیم پدر و مادرمون از وضعیت خورد و خوراک و پوشاک و مدرسه خبر نداشتند با دوستان هم سن و سال خودمون میرفتیم دزدی از این مغازه به اون مغازه بعد از مدتی هم که بابامون معتاد شد و مادرم ازش جدا شد و من موندم و چند تا بچه قد و نیم قد دیگه یاد گرفتم با زور و قدرت حقم رو بگیرم"

نتایج تحقیقات زالی زاده و همکاران (۱۳۹۸) نشان می دهد از بین متغیرها تنها دو متغیر دینداری خانواده و سبک تربیتی اقتدارگرایانه با مدارای اجتماعی رابطه معنادار داشتند و بقیه متغیرها یعنی سبک تربیتی دموکراتیک و سهل گیرانه و شبکه روابط اجتماعی خانواده با مدارای اجتماعی رابطه معنادار نداشتند. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز تغییرات متغیر مدارای اجتماعی را پیش بینی می کنند. جانسون^۱ (۲۰۱۶)، معتقد است که در خانواده های متلاشی ، مخصوصاً با حضور سرد و غیرقابل دسترس پدرانشان انتظارات منفی از کودکی

دارند، جامعه پذیری و آنچه که در محیط خانواده فراهم می شود، نقش مهمی در شکل گیری چنین نگرشهای منفی بازی می کند. کودک نیازمند به همنوایی با قوانینی که در خانواده تعیین شده است مانند آن چه که پدر به عنوان رأس خانواده تعیین می کند است. آنها ممکن است خودشان چنین اقتداری را طلب کنند کودک کم سن و سال، توان ایستادگی با ارزشهای پیشداورانه والدین را ندارد و نیز او قادر به همنوایی با قوانین عام نمی باشد. بخش بزرگی از ویژگیهای شخصیتی فرزندان در خانه و در تعامل با افراد خانواده شکل میگیرد. به علاوه پژوهشها ارتباط مثبت بین روان رنجوری و شیوه های فرزندپروری بی ثبات را نشان داده اند و بر آن تاکید دارند. پژوهشهای متعددی صمیمیت خانوادگی مایه آرامش و کاهش رفتارهای ناسازگارانه فرزندان می باشد. خانواده ها از راههای مختلف میتوانند بر رفتار و هیجانهای فرزندان خود تأثیرگذار باشند و تأثیر خانواده در شکل گیری شخصیت فرزندان انکار نشدنی است. به عبارتی با اهمیت دادن و توجه بیشتر به کانون خانواده و نیز پیروی از شیوه های مناسب فرزندپروری و نیز با برقراری پیوندهای قوی فرزندان و والدین میتوان از قلدری و بزهکاری آنها کاست .

ب- شرایط زمینه ای و موجبات علی

عوامل موثر در بروز اینگونه رفتارها را در بین مددجویان عواملی چون ارتباطات محیط اجتماعی و سیستم اکولوژیک، شرایط حاکم برزندان دوستان ناباب، فراوانی مسائل و مشکلات کاری تحقیر و محرومیت و سرکوب دیگران، فراهم بودن بستر جهت انجام رفتار اقتدارگرایی، ضعف فرهنگی، وجود محیط زندان، مسائل درون این محیط، دوری از خانواده، سابقه دار بودن زندانی، دفاع بعضی از مسئولین جهت جلوگیری از بی نظمی بررسی می کند. این نتایج کمی در مرحله کیفی نیز به تأیید رسید، بدین معنا که پدیده رفتار اقتدارگرایی در بین مددجویان به عنوان پدیده اصلی به طور مستقیم از موجبات علی و راهبردها اثر می پذیرد و به پیامدهای فردی و اجتماعی منجر میشود. شرایط زمینه ای به مسایل حاکم بر محیط کنونی بر می گردد در این تحقیق مددجویان دوست داشتند مورد تکریم دیگر افراد قرار گیرند و محیط زندان را به عنوان محیطی که بتوان از دیگران در جهت رسیدن خواسته ها و انتظارات استفاده نمود میدانند و خود را به لحاظ قدرت بدنی و یا به لحاظ تمکن مالی و استفاده از گروههای هم قبیله ای خود در جهت رسیدن به اهداف میدانند. عوامل محیطی از جمله، ارتباطات محیط اجتماعی و سیستم اکولوژیک، شرایط حاکم برزندان دوستان ناباب، فراوانی مسائل و مشکلات کاری تحقیر و محرومیت و سرکوب دیگران، فراهم بودن بستر جهت انجام رفتار قلدری، ضعف فرهنگی، وجود محیط زندان و مسائل درون این محیط، دوری از خانواده، سابقه دار بودن زندانی، دفاع بعضی از مسئولین جهت جلوگیری از بی نظمی گسترده از جمله عوامل مضاعف جهت گسترش الگوی رفتاری قلدری در زندان می باشد. محرومیت های اجتماعی و دوری از خانواده بی شک بر روحیه زندانیان و تاب آوری این قشر تأثیر به سزایی دارد. همچنین وجود دوستان ناباب که خود مشوق این افراد در بروز رفتار قلدرمابانه جهت رسیدن به اهداف شخصی و فردی می باشند نیز جز عوامل مهم اقتدارگرایی و برتری طلبی می باشد. قسمتی از متن مصاحبه ای که با یکی مددجویان انجام شده است آورده می شود :

«من سابقه زیادی در زندان دارم و در زندان آم دوستان زیادی پیدا میکنم و من به لحاظ جثه بزرگی که دارم از من حساب می‌برند چند تا از دوستان هم محله ای من هم با من هستند و در دعوها و نزاع ها مرا یاری میکنند و مرا تحریک به درگیری و گرفتن حق خودمان میکنند.»

از این متن کاملاً مشهود است که عوامل زمینه ای و دوستان ناباب و شرایط محیطی عامل مهم در بروز رفتار اقتدارگرایی و قلدر مابانه در زندان می باشد. با توجه به اینکه شرایط زندان شرایط خاص و یژه ای هست که افراد خواه ناخواه تحت تاثیر این محیط و فرهنگ حاکم بر آن قرار میگیرند. در این محیط افرادی زندگی می کنند که به نوعی معارض با قانون و مقررات و خود مانع نظم و انضباط حاکم در جامعه می باشند و جمع آوری این افراد در این محیط باعث شکل گیری رفتار پرخاشگری و قلدر مابانه خواهد شد.

ج- راهکارها و راهبردهای ارائه شده

افراد اقتدارگرا معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و چنین ناسازگارهای رفتاری، در عملکرد افراد و رابطه با دوستان اختلال ایجاد میکند. همچنین پدیده اقتدارگرایی بر احساس امنیت فرد قربانی تأثیر سوء دارد. در حقیقت اضطراب ناشی از رفتار اقتدارگرایی یادگیری را مشکل، توانایی تمرکز را کم و در نهایت بر توانایی درک و حفظ اطلاعات تأثیر سوء می گذارد. یافته های تحقیقی که توسط جرمی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) انجام گرفته نشان داده که قلدری در محل کار امری معمول است ولی نتایج سوء و منفی بر عملکرد کارکنان دارد این تأثیرات بطور غیر مستقیم بر عملکرد کارکنان ضعیف نتایج منفی گذاشته و کارکنان قوی را به اهداف ویژه و خاص خود می رساند که این امر از طریق ارائه شیوه های نظارتی و در عین حال نحوه برخورد با کارکنان قلدر قابل پیشگیری می باشد اعمال نمود. در سطح کارکنان، مربیان و مسوولان زندانها باید از این پدیده اقتدارگرایی و عوارض آن آگاه باشند. به عنوان نمونه قسمتی از متن مصاحبه ای که با یکی مددجویان انجام شده است آورده می شود

«به نظر من برای کم کردن و کوتاه کردن دست افراد شرور و قلدر باید به برخورد قاطع از سوی مسوولان زندان انجام گیرد. از اول قانون و مقررات حاکم بر بندها رو بهشون تذکر بدن و در صورت دعوا و نزاع و درگیریهای کلویی اونها رو تنبیه کنند مثلاً تبعید به زندانهای دیگر ولی یه عده ای از این افراد مشکل روحی و روانی دارن که بهتر هس به روانشناس یا مشاور مراجعه کنند به نظر من خیلی از رفتارهای ناپهنجاری که از زندانیان سر میزنه قابل اصلاحه و معمولاً ناشی از عدم آگاهی لازم هست تا برای زندانیان آموزش نکات روان شناسی در نظر بگیرند که هم از وقتشون استفاده میشه هم دیدش به زندگی بهتر میشه.»

یکی از برنامه های درخواستی زندانیان آموزش مسائل روانشناختی در محیط زندان است تا تاثیر بهره برداری از مولفه های روانشناختی مثل اعتماد به نفس، امید و تاب آوری، در گذر انسان از مشکلات و سختی های زندگی و افزایش بینش و آگاهی افراد موثر است. پس لازم است نظارت خود را هنگام هواخوری ها

و ملاقاتها افزایش دهند و به محض شناسایی فرد اقتدارگرا با وی برخورد جدی کنند. بنابراین باید فرد اقتدارگرا شناخته شده و جلوی رفتارهای او گرفته شود. همچنین می‌توان برای رویارویی با اقتدارگرایی، سیاست‌هایی همچون طرح‌ریزی قوانین داخلی و تنبیه‌های ناشی از سرپیچی و نقض قوانین، ایجاد راه‌های ارتباطی بین مددجویان، مشاوران و روانشناسان برنامه‌ریزی کرد تا فرد قربانی یا فرد شاهد به محض مواجهه با این امر به آنها مراجعه کند. تصور مثبت فرد نسبت به خود، نه تنها بر خودشناسی فرد تاثیر می‌گذارد بلکه عاملی مثبت برای رسیدن به کمال مطلوب در امر تحصیل نیز هست و برعکس (زراعت و غفوریان، ۱۳۸۸).

نتایج تحقیقات والاس (۱۹۹۴) بر روی نوجوانان بزهکاری که سوءسابقه داشتند انجام گردید، نشان داد که رفتار همراه با احساس امید، بزرگواری، احترام و نشاط در اصلاح رفتار این نوجوانان موثر است و البته چنین رفتاری به ایجاد رابطه مفید و موثر بین نوجوانان و والدین منجر می‌شود و صمیمیت و مهربانی نتیجه آن است.

رگوسن و هاوتون (۱۹۹۲) در تحقیقی که بر روی افراد انجام دادند دریافتند که تشویق مشروط از سوی بزرگان و مسئولان یکی از رفتارهای موثر در علاقه مند کردن افراد به آموزش مهارت‌های رفتاری است (ابراهیم زاده گرجی، ۱۳۸۲). در تحقیقی که سلیمی (۱۳۸۲) بر روی نوجوانان انجام داد دریافت که رفتار دوستانه معلم، روانشناس و مددکار، الگو بودن و احترام گذاشتن آنها به شخصیت نوجوانان عامل موثری در ترغیب آنها به نظم‌پذیری است. همچنین تلاش در تفهیم مسائل مهم زندگی و ارتباطات اجتماعی به عنوان عاملی مثبت در جهت شکل‌گیری رفتار آنها تلقی می‌گردد..

این سه مقوله از عمده‌ترین عوامل اثرگذاری بود که از داده‌های کیفی استخراج شده از این پژوهش تبیین شد. برای تسریع در فهم بهتر مرحله کد گذاری، کدهای استخراج شده در این پژوهش در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. جدول کد گذاری باز در ویژگی قلدری

مضامین اصلی	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
شرایط زمینه ای و موجبات علی سیستم خانواده مسائل درونی (روانی)	شرایط زمینه ای و موجبات علی سیستم خانواده مسائل درونی (روانی)	خود کم بینی، خود برتر بینی، تمامیت خواه، احساس بزرگی، غرور بیش از حد، خود محوری، بی عقلی، قدرت طلب، سوءاستفاده گر، صاحب منصب بودن حکومت توالتیتر، بی حساب حرف زدن، سر راه مردم بستن، بدگویی به مردم، نامردی کردن، به رخ کشیدن زور و بازو، در بین زندانیان خود را مطرح کردن، پافشاری بر حرف خود، یکه تازی، داشتن سابقه حبس بالا، سلطه گری، آزار و اذیت ضعفا و ناتوانان، بهره کشی از دیگران، قشرگرایی، تصاحب به زور، وادار کردن افراد به کاری به زور، مشاهده و الگو برداری از رفتار دیگران پرخاشگری، قیافه حق به جانب، غرور و کبر زیاد، اعتماد به نفس بالا، تجربه سخت، عصبانیت بیش از حد، انزوا، خشونت شدید، توقعات بیش از حد، عدم تاب آوری سختگیری زیاد والدین، هرج و مرج در خانواده، فرزندان بی سرپرست، فرزندان طلاق، فرزندان بد سرپرست، بها دادن والدین به فرزندان، تشویق والدین، الگوپذیری از والدین، بی مهری خانواده، فقدان کنترل فرزندان طلاق، عذاب وجدان، جدایی والدین، ترس و واهمه، افسردگی، خانواده از هم پاشیده، طرد شدن، درگیری، بگو مگوهای خانوادگی
شرایط مداخله ای (محیط اجتماعی و سیستم های اکولوژیک)	شرایط مداخله ای (محیط اجتماعی و سیستم های اکولوژیک)	دوستان ناباب، فراوانی مسائل و مشکلات کاری تحقیق و محرومیت و سرکوب دیگران، فراهم بودن بستر جهت انجام رفتار قلدری، ضعف فرهنگی، وجود محیط زندان و مسائل درون این محیط، دوری از خانواده، سابقه دار بودن زندانی، دفاع بعضی از مسئولین جهت جلوگیری از بی نظمی، عدم رشدمهارت های اساسی، عدم رشد مهارت های اجتماعی، الگو برداری از آشنایان، عدم اجتماعی شدن، وجود دوستان ناباب، وجود نوچه های زیاد، حمایت مسئولین عدم آگاهی از عواقب رفتار، نشناختن مضرات اینگونه رفتارها برای خود و دیگران، درک نادرست از واقعیت و موقعیت خود، سختی و فشار محیط زندگی، عدم رشد اجتماعی افراد، تشویق دیگران در بروز اینگونه رفتارها
راهکارها	راهکارها	آموزش های مربوطه، ایجاد مهارت های ارتباطی، برگزاری کلاس های مهارت های اساسی زندگی، استفاده از روانشناسان و مددکاران خبره و مجرب و برگزاری دوره های متمرکز

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تجربه زیسته الگوی مدیریت رفتار اقتدارگرایی انجام شد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مقوله اصلی یافته‌ی پژوهش "نابهنجاری شدن موقعیتی" است این مقوله کلیه مقولات

دیگر را تحت پوشش قرار می دهد. افراد شرکت کننده در این تحقیق ناپهنجار شدن موقعیت افراد را به عنوان عامل عمده در شکل گیری رفتار اقتدارگرایی و قلدر مابانه تبیین می کنند. یک سری شرایط که شامل زمینه ای (موجبات علی سیستم خانواده، مسائل درونی و روانی)، شرایط مداخله ای (محیط اجتماعی و سیستم های اکولوژیک) و راهکارها تشکیل شده است که منجر به بروز کنش ها و تعاملات می شود. پیامد این کنش ها و تعاملات ایجاد رفتار اقتدارگرایی در زندانها است. از علل و شرایط زمینه ای این مدل خانواده است که پایه ریز اساسی تربیت در بین جوانان ماست و عدم تربیت مناسب و طرد فرزندان از سوی والدین باعث ایجاد این رفتارهای قلدرمابانه خواهد شد. کسب علم و دانش و مهارتهای ارتباطی و اجتماعی از عوامل و شرایط میانجی می باشد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق توسط زالی زاده و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد از بین متغیرها تنها دو متغیر دینداری خانواده و سبک تربیتی اقتدارگرایانه با مدارای اجتماعی رابطه معنادار داشتند و بقیه متغیرها یعنی سبک تربیتی دموکراتیک و سهل گیرانه و شبکه روابط اجتماعی خانواده با مدارای اجتماعی رابطه معنادار نداشتند و آموزش رفتار اجتماعی و مهارتهای ارتباطات از طریق کفایت اجتماعی بر جنبه های مختلف زندگی آنها می تواند موثر و روابط بین فردی و اجتماعی آن را تقویت میکند هم راستا می باشد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش گرین و لاندمن^۱ (۲۰۱۸) که نشان داد. درک اینکه چگونه اقلیت ها، به ویژه افراد زندانی، در قلمرو کالج ها تحصیل می کنند، تقویت شده است. و معتقد است کالج ها، سازمانها و موسسات باید برنامه های پیشگیری از قلدری را که با حمایت از مؤسسات مربوطه، آغاز کنند، همسو می باشد. این پژوهش با یافته های بدری و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد که اثربخشی برنامه های ضد قلدری بر کاهش قربانی شدن در هر سه بعد کلامی- عاطفی و جسمانی دانش آموزان مدرسه آزمایشی موثر بوده است. هرچند این اثربخشی بر قربانی شدن کلامی و جسمانی اندکی بالاتر از قربانی شدن عاطفی بوده است، هم راستا می باشد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق هوی و همکاران^۲ (۲۰۰۶) که نشان داد سه خصوصیت تاکید آموزش در موسسات آموزشی، کارآمدی جمعی کادر آموزشی و اعتماد کادر آموزشی بر عملکرد افراد و موفقیت های آموزشی تاثیر مثبتی دارد همسو است. این پژوهش با یافته های جرمی و همکاران^۳ (۲۰۱۸) که نشان داد که قلدری در محل کار امری معمول است ولی نتایج سوء و منفی بر عملکرد کارکنان دارد، این تاثیرات بطور غیر مستقیم بر عملکرد کارکنان ضعیف نتایج منفی گذاشته و کارکنان قوی را به اهداف ویژه و خاص خود می رساند که این امر از طریق ارائه شیوه های نظارتی و در عین حال نحوه برخورد با کارکنان قلدر قابل پیشگیری می باشد، هم راستا می باشد. یافته های این پژوهش با یافته های جانسون^۴ (۲۰۱۶) که نشان داد روابط خانوادگی در کودکی افراد در شکل گیری رفتار وی موثر است. در خانواده هایی که از حضور سرد و غیر قابل دسترس پدرانشان وجود دارد جامعه پذیری کمتری دیده می شود و آنچه که در محیط خانواده فراهم

-
1. Green&Landman
 2. Hpy
 3. Jeremy
 4. Janson

می شود، نقش مهمی در شکل گیری چنین نگرش‌های منفی بازی می کند. هماهنگ می باشد. یافته های این پژوهش با یافته های پاتون^۱ (۲۰۱۶) که نشان داد قلدری در محیط‌های متفاوت حرفه ای به اشکال و دلایل متفاوتی بروز میکند و قلدری مکرر باعث خرابکاری دستاوردها و بهره وری پایین در محیط کار میشود. و پیامدهای منفی آن شامل افسردگی روانی، غیبت، فرسودگی شغلی و خستگی میشود و این امر از طریق تعامل با افراد و بزرگسالان کاهش می یابد. همسومی باشد. در تبیین یافته های بدست آمده گفتنی است که توانمندی مددجویان در برقراری ارتباط با محیط زندان اهمیت زیادی دارد، زیرا ساکنین آن یک اقامت اجباری، طولانی مدت و دائمی را در این محیط تجربه می کنند. ناتوانی مددجویان در برقراری ارتباط با خود، سایر مددجویان و مددکاران نه تنها هزینه نگهداری آنها را برای اداره زندانها افزایش داده بلکه محیطی توأم با تنش و تنش برای ساکنین و شاغلین در زندانها بوجود آورده است. بر اساس یافته های این تحقیق، تاثیر خانواده در شکل گیری شخصیت فرزندان انکار نشدنی است. به عبارتی با اهمیت دادن و توجه بیشتر به کانون خانواده و نیز پیروی از شیوه های مناسب فرزندپروری و نیز با برقراری پیوندهای قوی فرزندان و والدین میتوان از قلدری و بزهکاری آنها کاست. لازم است والدین با برقراری ارتباط مناسب و صمیمی با فرزندان خود به پیگیری علایق، مسائل و مشکلات آنها و حمایت از فعالیتهایشان بپردازند. والدین و مددکاران و روانشناسان میتوانند با شناسایی روحیه و ترجیح های آنها رابطه گرم و صمیمانه ای با این افراد بنا کنند و جهت درک بیشتر رفتارهای آنها اطلاعات خود را از ویژگیهای نوجوانان و چگونگی برخورد مناسب با آنها افزایش دهند. مشکل رفتاری مددجویان قلدر به شکل خصومت و پرخاشگری علیه خود و دیگران بروز می کند و به علت عدم تشخیص و تمایز بین احساسات در بین این مددجویان به عنوان عصبانیت لجام گسیخته تعبیر می شود که این نوع رفتارها باعث کمبود همدلی و نوعی رفتار اجتنابی می گردد. در واقع این یک نوع تعارض با محیط و خود است که مرسوم ترین و مهمترین نوع مکانیسم دفاعی توسط زندانیان قلدر یا اقتدارگرا می باشد. از این رو به پرخاشگری علیه دیگران مبادرت می ورزند گروهی از مددجویان به علت عدم تمرکز بر خود، ضعف اعتماد به نفس و عدم آگاهی هیجانی در کارهایشان به دیگران وابسته هستند و با توجه به اینکه محیط زندان محیط مناسبی برای وابستگی مددجویان به یکدیگر نیست و افراد وابسته بیشتر مورد سوء استفاده دیگر زندانیان قرار می گیرند. پیروی از هنجارهای گروه قلدر و خرده فرهنگ کجرو یک نمونه از این افراد است و مسئولان و مددکاران نیز در چنین مواقعی مانند نزاع ای دسته جمعی و یا دعواهای کلویی به جای برخورد ترمیمی با این گونه رفتار (درمان عامل اصلی) دست به برخورد تنبیهی با افراد قلدر می زنند. لذا پیشنهاد می گردد از طریق آموزشهای مهارتهای ارتباطی به زندانیان و همچنین مددکاران و روانشناسان شاغل در زندان امکان مداخله درمانی در این افراد فراهم شود، تا هزینه کنترل و مراقبت از این افراد برای اداره زندانها کاهش یابد و از سوی دیگر امکان سلامت رفتاری برای این گروه از زندانیان فراهم شود. همچنین میتوان خانواده این افراد را از طریق ارائه ملاقاتهای متعدد، آموزش لازم ارائه نمود. مددکاران اجتماعی و روانشناسان بهتر است از طریق شرکت در کارگاه های تئوری و عملی، آموزشهای متمرکز دریافت کنند تا در برخورد با این

زندانیان نقش درمانی و ترمیمی داشته باشند و رسالت پرورشی خود را پیش از پیش تقویت کنند. اجرای روان درمان گری بین فردی در جهت درمان های کوتاه مدت و متمرکز و رفع مشکلات بین فردی برای کنترل رفتارهای ناپهنجار زندانیان در بسیاری از زندانها اجرا می گردد لذا در این پژوهش نیز همین روش درمانگری به روانشناسان بالینی شاغل درون زندان توصیه می شود. محدودیتها در این پژوهش، فرایندمحوری و مدیریت اقتدارگرایی در حوزه زندان موضوع جدید و نوپایی محسوب می شود که چندان مورد توجه محققان این حوزه قرار نگرفته است لذا به دلیل محدود بودن منابع مورد استفاده احتمالاً برخی از ابعاد مدل مطلوب پیشنهادی این پژوهش کامل نباشد یا برخی مولفه های دیگری هم باشند که هنوز شناسایی نشده اند. از آنجایی که امکان دسترسی به سوابق زندان ها در آن ها اجرا شده مشکل بود و یا در برخی موارد وجود نداشت به همین دلیل نتایج این پژوهش بخاطر نوع پاسخگویی خبرگان و یا مشتریان ممکن است تحت تاثیر قرار گرفته باشد.

منابع

- آراسته، محمود سبا شریفی (۱۳۸۷) شیوع اختلالات روانپزشکی در میان زندانیان زندان مرکزی سنندج، بخش غربی ایران. ترجمه مسعود زاده علائم نرم افزار عصبی در زندانیان مرد: یک مطالعه مقطعی، فصلنامه اصلاح و تربیت، ۱۲(۳)، ۲۳-۲۸.
- ابراهیم زاده گرجی، سمیه. (۱۳۸۹). مداخلات شناختی-رفتاری-گروهی بر مدیریت خشم ابراز وجود و سازگاری در نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک، مجله روانشناسی معاصر، مجموعه مقالات سومین کنگره انجمن روانشناسی ایرانی، ۲-۲۳
- احمدی، عبدالله و نیکپور، جلال. (۱۳۸۹). تأثیر استفاده از مجازات مجرمیت جنایات افزودنی مواد مخدر بر وضعیت سلامت روانی همسر آنها. مجله راهبردهای حقوقی، ۲(۱)، ۲۳-۲۶.
- بدری، رحیم، حسینی، سید عدنان، هاشمی، تورج، میر نسب، میر محمود (۱۳۹۷). طراحی برنامه آموزشی ضد قلدری تلفیقی و تعیین اثربخشی آن بر کاهش قربانی شدن دانش آموزان دوره اول متوسطه، نشریه علمی پژوهشی-آموزشی و ارزشیابی، ۱۱(۴۱)، ۵۵-۸۱.
- بیرامی، منصور، علائی پروانه، (۱۳۹۴)، شیوه نقش های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده، مجله روانشناسی مدرسه، ۲(۳)، ۳۸-۵۶.
- پورطالب، نرگس، میرنسب، میر محمود. (۱۳۹۸). مقایسه سبک هویت دانش آموزان با رفتارهای قلدری، قربانی و دانش آموزان عادی، نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی. ۹(۳۶)، ۱۳۱-۱۴۵.
- چالمه، رضا (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس قلدری ایلی نویز در دانش آموزان ایرانی، بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی، فصلنامه روشها و مدل‌های روان شناختی، ۳(۱۱)، ۳۹-۵۲.
- زالی زاده، مسعود، باقری، معصومه و ملتفت، حسین. (۱۳۹۸). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر مدارای اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، نشریه مدیریت علمی دانشگاه اصفهان، ۲۹(۷۰)، ۱۲۹-۱۴۶.
- زراعت، زهرا و غفوریان، علیرضا، (۱۳۸۸) اثربخشی آموزش حل مساله بر خود پنداره تحصیلی دانشجویان

اقتدارگرا. مجله راهبردهای آموزشی، ۲(۱)، ۲۳-۲۶.
سلیمی، سید حسن. (۱۳۸۲). مطالعه تاثیر رفتار معلم بر نظم پذیری دانش آموزان در مدرسه. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۲(۶)، ۱۰۳-۱۱۵.
سید زاده ثانی، سید مهدی، عبدالهی، احمد رفیع (۱۳۹۸). شیوع قلدری سنتی و سایبری در بین نوجوانان شهر هرات-افغانستان. ۱۷(۲)، ۱۹۷-۲۱۱.
محمدپور، احمد (۱۳۹۳). روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی). چاپ دوم، تهران، انتشارات جامعه شناسان.

- Adorno T. W., Frenkel B. E., Levinson D. J., Sanford R. N. (2004). *The Authoritarian Personality* New York: Harp
- Goossens, F., Olthof, T., & Dekker, P. (2018). New participant role scales: Comparison between various criteria for assigning roles and indications for their validity. *Aggressive Behavior*, 32, 343-357.
- Graneheim, U.H., Lundman, B. (2018). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, *procedures and measures to achievetrust worthines*.
- Janson, G.R., Hazler, R.J. (2016) 'Trauma Reactions of Bystanders and Victims to Repetitive Abuse Experiences. *Violence and Victims*, 19, 239- 255.
- Jeremy, D., Jewel, P.h., Keven, D., Stark, P.h. (2018). Comparing the family environments of adolescent with conduct or depression. *Journal of Child Family*, 12(1):77-89.
- Hoy,W,K.,Tarter,C,J.,&Woolfolk Hoy,A.(2006)Academic optimism of schools:A force for student achievement.*American Educational Research Journal*,43,425-446.
- Murberg, T.A. (2012). The influence of optimistic expectations and negative life vents on somatic symptomsamong adolescents:a one year prospective study.*Journal of psychology*, 3(2),123-27
- Patton, Q., M. (2016). How to use qualitative methods in evaluation. Sage publications Inc., *Newsbury park, London, New Dehl*.
- Bermond, B., Bierman, D.J., Cladder, M.A., Moormann, P.P., Vorst. H.C. (2010).The cognitive and affective alexithymia dimensions in the regulation of sympathetic responses. *International Journal of Psychophysiology*, 75(3), 227-233.
- Barkham, M., Hardy, G.E., Startup, M. (1996). The IIP-32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *British Journal of Clinical Psychology*, 35(1), 21-35.
- Reynolds,C.F., Frank, E., Perel, J.M., Imber, S.D., Cornes, C., Miller, M.D., Mazumdar, S., Houck, P.R., Dew, M.A., Stack, J.A. (2015). Nortriptyline and interpersonal psychotherapy as maintenance therapies for recurrent major depression: a randomized controlled trial in patients older than 59 years. *Jama*, 28(1)39-45.
- Wallace, G.R. (1994). Discipline that motivates. *Journal of Instructional Psychology*,21(4),371-374.